

بررسی تأثیر شیوه‌های تدریس مبتنی بر تکنیک‌های خلاقیت در آموزش و یادگیری دانش‌آموزان

عباس چراغ‌چشم*

چکیده

این مقاله شیوه‌های تدریس خلاقیت آفرین را مورد بررسی قرار می‌دهد. در این مقاله خلاقیت و یادگیری تعریف و تشریح شده است. همچنین ضرورت پرورش خلاقیت در دانش‌آموزان، عوامل آموزشی مؤثر در خلاقیت، موانع خلاقیت و ویژگی‌های دانش‌آموز خلاق بیان شده و در پایان روش‌های تدریسی که موجب پرورش خلاقیت می‌شوند مورد بررسی قرار گرفته است. یافته‌های این مقاله نشان می‌دهد که پژوهش، بستری مناسب برای تقویت و گسترش روحیه ابتکار، نوآوری و خلاقیت است. معلم به عنوان ایجادکننده شرایط و تسهیل‌کننده یادگیری دانش‌آموزان می‌تواند از طریق نوگرایی، انعطاف‌پذیری، عدم اجبار دانش‌آموزان به حفظ و انباشت ذهنی، شوخ‌طبعی، پرهیز از راهبردها و روش‌های قالبی آموزش، زمینه‌سازی برای ابراز وجود شاگردان و افزایش اعتماد به نفس در آنان، تحریک حس کنجکاوی فراگیران و بالاخره توأم ساختن آموزش با پژوهش به آموزش خلاق و پرورش خلاقیت در کودکان و نوجوانان بپردازد.

واژه‌های کلیدی

خلاقیت، آموزش و یادگیری، عوامل مؤثر بر خلاقیت، راهکارهای پرورش خلاقیت، تکنیک خلاقیت.

مقدمه

یکی از اهداف خلقت بشر توسط خالق هستی بخش که در بین تمامی موجودات خود، او را «احسن تقویم» یاد کرده، انسان است و از ویژگی‌های اصلی انسان که او را نسبت به دیگر خلائق برتری داده، بهره‌مندی از قوه عقل و تفکر خلاق است؛ زیرا یکی از مشخصه‌های اصلی انسان قدرت آفرینندگی و خلاقیت اوست.

از دنیای امروز به دلیل ویژگی‌های بسیار متغیر و خلاقیتی که دارد تحت عنوان «عصر خلاقیت و نوآوری»^۱ نام برده می‌شود، در این دوران فرآیندها، پدیده‌های خلاقیت، نوآوری و کارآفرینی^۲ عرصه‌های بسیار گسترده‌ای از جامعه انسانی را تحت تأثیرات عمیق خود قرار داده است؛ از این رو، عامل اساسی پایداری، پویایی و موفقیت‌های نهادهای مختلف، حرکت با محوریت خلاقیت و نوآوری است.

واژه خلاقیت در واقع از سال ۱۹۵۰م که مفهوم آن در ایالات متحده آمریکا موضوع تحقیقات مهمی قرار گرفت، معمول شد. این کوشش شایان توجه که هدف آن «تعمیم و تعمیق مفهوم ابتدایی و رایج خلاقیت بود، به این واژه منزلتی خاص بخشید اما در عین حال توسعه سریع و گسترده کاربرد آن در همه زمینه‌ها موجب شد که واژه مهم و قابل طرح در تمامی محافل علمی به حساب آید. خلاقیت با عوامل ژنتیک و موروثی ارتباط دارد، اما نمی‌توان منکر نقش والدین، معلم و محیط آموزشی در فراهم آوردن شرایط بالقوه برای بروز خلاقیت در یادگیری دانش‌آموزان شد.

مهمترین عامل در امر یادگیری خلاق، نقش معلم در آموزش است و این معلمان هستند که محیط‌های یادگیری خوبی می‌سازند و لذا کیفیت کار معلم در رأس امور مربوط به آموزش و یادگیری خلاق است؛ به طوری که تدریس مؤثر همواره به مثابه عنصر حیاتی امور یادگیری است و معلم در کلاس درس نیز می‌تواند به مثابه مدیر کلاس خود باشد، زیرا او مدیر فن یادگیری است و یادگیری زمانی مؤثر است که یکی از عوامل اصلی آن، که معلم است کارآموده و با انگیزه و علاقه‌مند باشد تا بتواند در سایه تلاش برای آموزش بنیادی به انسانی ناآزموده با تکنیک‌های خود، امر یادگیری

1. The age of Innovation

2. Entere Preneurship

خلاق را تسهیل بخشد، در نتیجه در هزاره سوم میلادی و در عصر انفجار اطلاعات^۱ که تغییر و تحول مستمر و پُرشتاب از عمده‌ترین جریان‌های حاکم بر حیات بشری و از مهمترین مشخصه‌های بارز آن است، فرآیند خلاقیت، بسترساز تغییر و تحول و دگرگونی عمیق است.

تاریخچه آموزش و یادگیری مبتنی بر خلاقیت

وقتی از آموزش خلاقیت و تاریخچه آن صحبت می‌کنیم با نام خالق انسان، عجین می‌گردد، او که انسان را خلاق خلق نمود و در گوهر وجودش کنجکاوی را نهاد، تا پدیده‌های گوناگون او را تحریک نموده و به پرسش یا کشف آن ترغیب شود، و همان‌گونه که خداوند نو آفرید و بر خویش آفرین گفت: «فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ» (مؤمنون، آیه ۱۴)؛ او نیز نو بیافریند و با دست یافتن به چرایی پدیده‌ها به خویشتن خویش و پروردگارش نزدیکتر گردد.

آموزش و یادگیری مبتنی بر خلاقیت یکی از شیوه‌های نوین یادگیری است که توانسته است سطح دانایی و دانش را در جامعه بالا ببرد و جامعه‌ای که در آن گردش امور مبتنی بر دست‌آوردها، اطلاعات و شاخص‌های علمی باشد، جامعه دانش‌محور است که نمود آن در خیلی از جوامع امروزی آشکار است. تقریباً بیش از نیم قرن قبل از کاترین پاتریک^۲ آموزش و یادگیری مبتنی بر خلاقیت توسط والاس^۳ برای رفتار افراد خلاق طرح شده بود، والاس این شیوه را مورد آزمایش تجربی قرارداد. پس از آن کاری شبیه به این، توسط راسمن^۴ انجام شد. لمان^۵ در تحقیقات خود سعی در کشف ارتباط بین جنبه‌های کیفی و کمی رفتار خلاق داشت. این فعالیت‌ها در ایالات متحده آمریکا موجب شد تا مراکز مختلفی برای تحقیق پیرامون این مقوله به وجود آید. سپس پاول تارنس^۶ تحقیقات خود را در بررسی محیط و خلاقیت متمرکز نمود و کالوین تیلر^۷ در این زمینه به فعالیت پرداخت.

-
1. Knowledge explosion
 2. Katrin Patrik
 3. Wallas
 4. Rasman
 5. Lahman
 6. E.Powl Tarrance
 7. Calvin Tayhr.

بیش از ۴۰ سال قبل از اوایل دهه ۵۰ بزرگترین و معروفترین مرکز دست‌اندرکار تحقیق و آموزش خلاقیت به نام «بنیاد تفکر خلاق»^۱ توسط محقق بنام الکس اسبورن^۲ در بوفالو ایالت نیویورک تأسیس شد، این بنیاد تا پایان دهه ۵۰ بیش از ۱۰۰۰ دوره آموزشی خلاقیت را در کشور آمریکا اجرا نموده بود. دکتر اسبورن به واسطه فعالیت‌ها و خدمات چشمگیرش در این زمینه، در آینده لقب «پدر علم خلاقیت» را گرفت. در روسیه آموزش خلاقیت توسط «مدرسه نوآوران» صورت می‌گیرد. کشور ژاپن نیز از این قافله عقب نمانده و توسط مرکز آموزش خلاقیت، کار پرورش استعداد خلاقیت را آغاز نموده است.

گذشته از این، جهت تشویق جوانان به تفکر غیرعادی و کسب شجاعت و جسارت در مطرح کردن ایده‌های نو و غیرمعمول هر ساله مسابقه‌ای به نام «المپیک نوآوران» برگزار می‌شود و برنده آن شخصی است که وسیله ساخته شده توسط او در عین حال که مفید است، از دیگران عجیب‌تر نیز باشد. در سرتاسر جهان امروز آموزش تفکر خلاقانه بخشی الزامی در برنامه آموزش برای کودکان شده است. درحقیقت اشتیاق هر فردی به موضوع و آموزش خلاقیت مشاهده می‌شود (رایز برگ، ترجمه والفی، ۱۳۷۸، ص ۱۱۵)، اما در نظام آموزش کشور ما از لحاظ خلاقیت نقصان وجود دارد؛ به طوری که هر چیز به صورت کلمات یا معادلات بیان می‌شود و عمدتاً ابزارهای بیان در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌گیرند نه تفکر خلاق و لذا یادگیری و یاد دادن خلاقیت موضوعی است که متأسفانه توجه کسی را به خود جلب نمی‌کند و همچون اغلب مقوله‌های تعلیم و تربیت نوین خلاقیت نیز موضوعی فراموش شده است.

مفهوم خلاقیت

خلاقیت مفهومی است که مورد توجه فراوان روان‌شناسان به خصوص روان‌شناسان کمال قرار دارد و امروزه، همه محققان در این نظر متفق‌اند که اساس قدرت انسان ناشی از «خلاقیت» اوست؛ و اهمیت خلاقیت و نقش زیربنایی آن در کلیه مسائل زندگی بر

1. Creative Behavior Foundation
2. Alex F. Asborn

همگان آشکار است. برخی صاحب‌نظران قائل به این تعریف هستند که خلاقیت کشفی ناگهانی است که این تعریف به مقوله کشف و شهود نزدیکتر است و برخی دیگر نیز قائل به این تعریف هستند که خلاقیت فرآیندی مداوم و مستمر است؛ در عین حال، نیازمند زمینه و بستر اولیه نیز می‌باشد، این مداومت در وجود فرد نوعی بی‌قراری، تلاش و کنکاش ایجاد می‌کند تا بدان‌جا که از خود چیزهای تازه‌ای به ظهور می‌رساند. فرد خلاق، پذیرای اندیشه‌های تازه است، او محیطی را به وجود می‌آورد که در آن تجربه‌ها را می‌آفریند.

دکتر علی‌اکبر سیف می‌نویسد: آفرینندگی را می‌توان با اشاره به تعدادی توانایی ذهنی که منجر به تولید آثار خلاق می‌شود توصیف کرد؛ بنابراین خلاقیت: «توانایی عبور از مرز دانسته‌ها - محدوده‌ای عادی دارد - برای رسیدن به مرز ندانسته‌هاست»^۱ (سیف، ۱۳۷۹، ص ۸۴) و به طور کلی خلاقیت مفهومی چند بعدی و کیفیتی است که در همه انسان‌ها وجود دارد و تفاوت تنها در میزان آن است.

ضرورت خلاقیت

برای پیشرفت و حرکت رو به آینده برتر و حل انبوه مسائل و مشکلات موجود به خصوص در هزاره سوم میلادی و در عصر طلایی که معروف به عصر انفجار اطلاعات^۲ است و تغییر و تحول مستمر و پُرشتاب از اصلی‌ترین شاخصه‌های حاکم بر حیات بشری است، جامعه انسانی ناگزیر به حرکت در جاده خلاقیت، نوآوری و ابتکار است؛ و لذا برای دستیابی به این مهم باید بر تأثیرپذیرترین گروه جامعه یعنی کودکان و نوجوانان سرمایه‌گذاری نماید، زیرا آغاز انگیزه کنجکاوی و خلاقیت در کودکان نسبت به همه گروه‌های سنی قوی‌تر بوده و هر اندازه محیط زیست آنان از نظر منابع اطلاعاتی غنی‌تر باشد، این انگیزه از طریق سازوکارهای جدید از قبیل پرسشگری، برانگیختن کنجکاوی و چون و چرا کردن و پژوهشگری از قوه به فعل درآمده، موجب رشد خلاقیت می‌شود.

۱. دکتر علی‌اکبر سیف به جای اصطلاح خلاقیت، آفرینندگی را به کار برده‌اند.

ولذا کنجکاوی، در واقع عشق به کشف و دانستن و نوآوری است، عشق به کسب اطلاعات تازه و عشق به رسیدن به موقعیت‌هاست که منشأ و ریشه رفتارهای خلاقانه و نوآورانه است؛ در نتیجه آموزش و پرورش باید چشمه‌های جوشان این کنجکاوی را سیلان بخشد و روش‌های آموزشی را بر پایه باورهای خلاق بنا کند تا طرح دیدگاه‌های تازه و بدیع درباره مسائل مختلف این مهم را میسر سازد. بر این اساس اگر مدارس ما به نظرات متفاوت و احیاناً غیرعادی ارج نهند و معلمان، مربیان و اولیاء دانش‌آموزان نه تنها اجازه دهند تا کودکان مطابق ذوق و سلیقه خودشان اشیاء و امور را کشف کنند، بلکه آنها را مورد تشویق و ترغیب نیز قرار دهند؛ در آن صورت زمینه‌های توسعه و شکوفایی استعدادها فراهم خواهد شد.

ضرورت بعدی در این امر پرورش تخیل در کودکان است، مانند بیان داستان‌های تخیلی، نقاشی کردن و ساختن اشیاء مختلف از طریق ترکیب اجزاء آنها؛ «به‌طور کلی نقاشی‌های آزاد، مقاله‌نویسی و نگارش داستان‌های کوتاه زمینه ایده فرد و تفکر خلاق در دانش‌آموزان را بهتر فراهم می‌کند» (شریعتمداری، ۱۳۶۷، ص ۴۱۷) و نیز فراهم کردن شرایط اجتماعی و شرایط جدید در آموزش و پرورش تحت عنوان تعلیم و تربیت خلاق، امری ضروری و جدی است.

مفهوم یادگیری

یادگیری عملی است که در درون هر فرد انجام می‌پذیرد، نتایج حاصل از یادگیری از طریق تغییرات رفتاری که در فرد به وجود می‌آید، قابل سنجش است. به عقیده بسیاری از روان‌شناسان، هر دانش‌آموز باید به تنهایی به فعالیت یادگیری بپردازد و تکالیف و میزان یادگیری هر دانش‌آموز باید جداگانه تعیین شود.

سازگار کردن آموزش و یادگیری با نیازهای آتی اجتماعی می‌تواند اثربخش و مفید باشد، بدین معنا که مدارس باید بتوانند همواره در زمینه یادگیری مستمر فعالیت کنند؛ ترغیب و حمایت از این فرآیند مستلزم فرآیندهای مناسب یادگیری است که در آن فراگیران باید در تنظیم فرآیند یادگیری خود سهیم شوند.

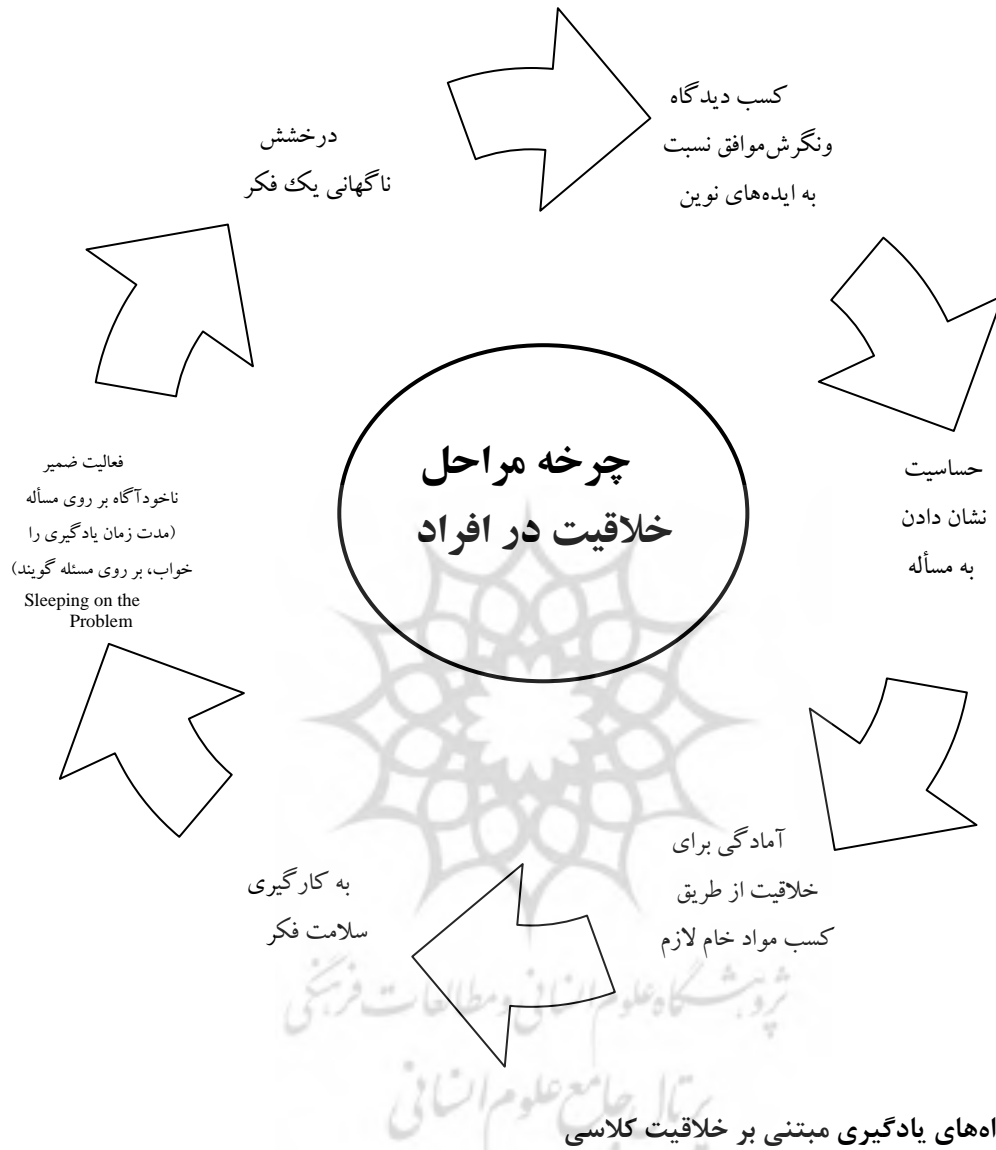
بنابراین یادگیری به فرآیندی اطلاق می‌شوند که فراگیرنده نیاز به اطلاعات کافی در مواردی مانند موضوع مواد درسی و محتوا داشته باشد و برای نیل به این منظور معلم با سازماندهی فعالیت‌های یادگیری و ساختارهای فنی از او حمایت می‌کند.

چگونه امر آموزش و یادگیری خلاق را در افراد قوت بخشیم؟

کارهای بسیاری وجود دارد که والدین و مربیان می‌توانند انجام دهند تا ایجاد یادگیری در دانش‌آموزان قوت گیرد، ما می‌توانیم با حفظ روابط مطلوب والدین و دانش‌آموز و اینکه اجازه دهیم دانش‌آموزمان آگاه شود که به‌نظر ما مدرسه اهمیت دارد، تلاش آموزش او را افزایش دهیم. همچنین با آموزش عادات مطلوب مطالعه و فراهم‌سازی شناختگی^۱ برای موفقیت‌های او را یاری دهیم. همکاری با معلم نیز می‌تواند اهمیت داشته باشد، زیرا آموزش و یادگیری خلاق دو فرآیند اساسی در آموزشگاه است که معمولاً تمام کار آموزشگاه بر مبنای تحقق آنها مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. یادگیری در دانش‌آموزان را معادل تغییر رفتار آنها تعریف کرده‌اند. یادگیری قبل از آنکه یک پدیده فردی باشد، پدیده اجتماعی است که بدون وجود روابط بین اعضای جامعه امکان‌پذیر نیست. تا معلم، محیط خاص و عواملی مانند بازخورد و تقویت‌کننده وجود نداشته باشد یادگیری خلاق به خوبی انجام نمی‌گیرد؛ بنابراین اولین چیزی که معلمان باید به خاطر بسپارند این است که یادگیری به عنوان اساسی‌ترین کار آموزشگاه است و این امر بدون برقراری روابط کنش و واکنش، و تعامل بین معلم و شاگرد و محیط امکان‌پذیر نخواهد بود.

سیر مراحل خلاقیت در افراد

صاحب‌نظران علم خلاقیت، در پاسخ به این سؤال که: «انسان‌ها چگونه از خود خلاقیتی بروز می‌دهند؟» متأسفانه تاکنون تصویر جامعی از فرایند خلاقیت ارائه نداده‌اند، اما اکثر آنها درباره اینکه مراحل سیر خلاقیت به شکل مجزا و به هم پیوسته هستند، اتفاق دارند.



راه‌های یادگیری مبتنی بر خلاقیت کلاسی

آموزش، رشد و توسعه خلاقیت می‌تواند زیرساختار تحول توسعه برنامه‌ریزی آموزش و پرورش باشد، زیرا راه رشد، توسعه و تعالی کشور، سرمایه‌گذاری در تعلیم و تربیت است و حرف اول در کشورهای توسعه‌یافته، توسعه انسانی است و پایه و اساس توسعه انسانی یادگیری مبتنی بر خلاقیت کلاسی است که در این رابطه توصیه به اصول زیر را می‌نماییم.

۱. نسبت به دانش‌آموزان نگرش تحقیقی داشتن به جای نگرش تقلیدی؛

۲. فراهم کردن منابع برای ایجاد مفاهیم در دانش‌آموزان؛
۳. اوقات را به فعالیت‌های فعال و آرام تقسیم کردن؛
۴. توسعه برنامه‌های بازدید علمی برای دانش‌آموزان؛
۵. ایجاد زنگ خلاقیت و نوآوری در مدارس؛
۶. تهیه امکانات و تجهیزات آزمایشگاهی مناسب در مدارس؛
۷. معرفی دانش‌آموزان پژوهشگر و خلاق تحت عنوان دانش‌آموز پژوهنده برگزیده سال؛
۸. تشویق اندیشه‌ها و پیشرفت‌های بکر، ناب و خودانگیخته دانش‌آموزان توسط معلمان؛
۹. توجه ویژه به توسعه فرهنگ دانش‌آموز محوری (فراگیرمحوری) به جای معلم محوری در مدارس و دانستن اینکه معلم، راهنماست و نقش یاری دهنده و هدایتگر را ایفا می‌کند؛
۱۰. طرح سؤالات هنرمندانه در کلاس توسط معلم، راهی به سوی پاسخ‌های خلاق گشوده می‌شود؛
۱۱. تشکیل انجمن‌های علمی دانش‌آموزان پژوهنده در مدارس؛
۱۲. تشریح فرایند خلاقیت و دادن اطلاعات لازم به دانش‌آموزان؛
۱۳. فراهم کردن زمینه تفکر تخیلی توسط معلمان در کلاس درس؛
۱۴. الزام معلمان بر فعالیت‌های آزمایشگاهی برای دانش‌آموزان؛
۱۵. دانش‌آموزان را به محرک‌های محیطی حساس‌تر کردن؛
۱۶. با دانش‌آموزان خلاق، فکورانه و منطقی برخورد کردن؛
۱۷. تکالیف ناتمام دادن به دانش‌آموزان و حداکثر فرصت را برای اکتشاف دادن و زمینه فردیت و ابتکار را فراهم آوردن؛
۱۸. نسبت به دانش‌آموزان بیش از حد توانشان انتظار نداشته باشیم بلکه با توجه به تفاوت‌های فردی از آنها انتظار داشته باشیم؛
۱۹. توجه دانش‌آموزان را به خداوند به عنوان منبع بی‌پایان خلاقیت و الهام‌بخش جلب کنیم و آنان را به استعانت از وی در حل مسائل دشوار رهنمون سازیم؛
۲۰. فراهم کردن زمینه پذیرش افکار مختلف و تشویق برای اظهار؛

۲۱. اندیشه‌ها و راه‌حل‌های غیرمعمول برای مسائل را باید با احترام تلقی کرد و باید فرصت داد تا به طور مستقل یاد بگیرند، آزادانه فکر کنند و به اکتشاف بپردازند.
۲۲. معلم باید زمینه‌ای فراهم کند که همه دانش‌آموزان تفکر نمایند و بدون نگرانی تفکرات خویش را اظهار نمایند.
۲۳. ایجاد زمینه قدرت تحمل عقاید مخالف در دانش‌آموزان؛
۲۴. پرورش انتقاد سازنده در دانش‌آموزان؛
۲۵. دست‌آوردهای خلاق یادگیرندگان را مورد تشویق قرار دهند و در این راستا تورنس (۱۹۶۵-۱۹۶۰) پنج راه تذکر داده است:
- الف) نسبت به سؤال‌های غیرمتعارف یادگیرندگان با احترام برخورد کنید.
- ب) نسبت به اندیشه‌ها و راه‌حل‌های غیرمعمول یادگیرندگان با احترام برخورد کنید.
- پ) به کودکان نشان دهید که اندیشه‌های آنها با ارزش است.
- ت) فرصت‌هایی به یادگیرندگان بدهید تا در آن به یادگیری‌های مورد علاقه خود بپردازند.
- ث) به کودکان فرصت دهید تا بدون ترس از عواقب ارزشیابی شما از کارشان به یادگیری تفکر و اکتشاف بپردازند.

تکنیک‌های خلاقیت

منظور از تکنیک‌های خلاقیت در عمل انجام فن‌های ارتباط اجباری، تحرک مغزی، گردش تخیلی، تکنیک ۵-۳-۶ گروه اسمی، تفکر موازی شامل ایجاد یک اندیشه واسطه غیرممکن، پیوند تصادفی، معکوس‌سازی در روش تدریس می‌باشد.

تحرک مغزی یا یورش فکری

یکی از تکنیک‌های متداول در خلاقیت و فعال‌ساختن اندیشه‌ها به صورت تکنیک تحرک مغزی است، در این فن مسأله‌ای به یک گروه کوچک ارائه شده و از آنان خواسته می‌شود به سرعت نسبت به آن واکنش نشان داده و برای آن پاسخ بیابند

(الوانی، ۱۳۷۸، ص ۶۴). در عمل درس اول مدنی کلاس چهارم ابتدایی با موضوع جامعه چیست؟ دانش‌آموزان نظرات خویش را بیان می‌کنند و پرسش و پاسخ‌های مناسب در مورد تعریف، انواع و نمونه‌های کوچک و بزرگ و... توسط دانش‌آموزان داده می‌شود.

ارتباط اجباری

یکی دیگر از شیوه‌های آشکار ساختن خلاقیت‌ها و ظاهر ساختن توانایی آفرینندگی موجود در افراد شیوه ارتباط اجباری است. در این شیوه همان‌طور که از نام آن مستفاد می‌شود باید بین دو گروه از پدیده‌ها ارتباطی اجباری ایجاد کرد (الوانی، ۱۳۷۸، ص ۸۶). در عمل و انجام درس انواع خطوط در ریاضی و تعاریف آن (نیم‌خط، پاره‌خط و خط راست) را با درس دینی و به ترتیب نیم‌خط را تشدید می‌کنیم با زندگی از تولد تا جهان آخرت که ادامه‌دار است و پاره‌خط را نیز مقایسه می‌کنیم با زندگی و حیات در این دنیا که محدود و تمام شدنی است و خط راست را نیز مقایسه می‌کنیم با قبل از تولد و سرنوشت انسان که توسط خدا پی‌ریزی شده و وجود داشته و بعد از مرگ نیز ادامه می‌یابد.

گردش تخیلی

در سال ۱۹۶۱ روان‌شناسی به نام گوردون در گروه‌های ایجاد خلاقیت اعضای گروه را از طریق به کارگیری یک جریان تخیلی و استعاره‌ای به گردش تخیلی ترغیب می‌نمود و در این حالت ایده‌ها و نظرات بدیعی را کشف می‌کرد. آنان پدیده‌هایی را که چندان تجانسی، با هم نداشتند تلفیق و ترکیب می‌کردند و به ایده‌های جدیدی دست می‌یافتند؛ از این رو، روش گوردون را شیوه تلفیق نامتجانس‌ها نیز نامیده‌اند. گروه برای ایده‌یابی به تفکر و تخیل ترغیب شده یا طرح استعاره‌ها و تمثیل‌هایی کار تخیل را ساده‌تر می‌کند. در عمل درس جغرافی کلاس چهارم تعریف رشته‌کوه که به «زنجیر به‌هم پیوسته» توصیف و تمثیل می‌نماییم؛ همان‌طور که زنجیر حلقه‌هایش به هم پیوسته است، کوه‌ها نیز با هم پیوند داشته و زنجیر مانند در پی هم هستند و مثال رشته‌کوه

البرز و زاگرس و رشته کوه هزار مسجد و قله‌های آن را توضیح می‌دهیم و از این راه مفهوم‌سازی می‌نماییم، که «رشته کوه» کوه‌هایی هستند که مثل زنجیر به هم متصلند.

تکنیک گروه اسمی

در این روش برخلاف شیوه تحرک مغزی افراد جدای از هم ولی در کنار هم کار می‌کنند. در جلسه گروه اسمی، اعضاء جلسه نظرات خود را در صفحات کاغذ یادداشت کرده و بدون آنکه مشخص شود چه کسی طراح ایده و تفکر نوشته شده می‌باشد، ایده‌ها بین اعضا مبادله شده و تکمیل و تعدیل می‌گردد. یکی از روش‌های گروه اسمی تکنیک ۵-۳-۶ آن می‌باشد و علت نامگذاری آن با یک نام بدین صورت است که در این فن ۶ نفر به عنوان اعضای جلسه هر کدام سه ایده یا نظر جدید درباره مسأله موردنظر بر روی ۳ کارت می‌نویسند. این کارت‌ها بین افراد جلسه مبادله شده به طوری که هر فرد ۵ بار سه ایده افراد دیگر را ملاحظه می‌کند و در ذیل آن ایده و نظر خود را اضافه می‌نماید. ایده‌های اظهار شده موجب برانگیختن ایده‌های جدیدتر به وسیله اعضاء جلسه شده و زنجیره‌ای از افکار به وجود می‌آورد.

در درس «نجاسات و چیزهای نجس» از کتاب دینی کلاس چهارم، از دانش‌آموزان می‌خواهیم نظرات خویش را در مورد مبحث نجاسات در کاغذ یادداشت نموده و بدون نوشتن نام، این کاغذ مبادله و تعویض گردیده و نظرات تکمیلی و حذفی دانش‌آموزان دیگر در آن عنوان می‌گردد و بدین وسیله نوشته تکمیل و متناسب می‌گردد.

تفکر موازی

برای شکستن ذهنیت‌های پیشین و ورود به عرصه‌های نوین، تکنیک‌های چندی ابداع گردیده است که متداول‌ترین آنها تفکر موازی است. واضع این شیوه «ادوارد دوبونو» روش معمول تفکر را همانند حفر گودالی توصیف می‌کند که با افزایش اطلاعات فرد، همان گودال عمیق‌تر می‌شود؛ در حالی که تفکر موازی نگاه فرد را به نقاط جدید معطوف می‌سازد و تجربه‌های جدید صرفاً به اندیشه‌های قبلی افزوده نمی‌شود بلکه آنها را تغییر داده و الگو و ساختار جدیدی را ایجاد می‌کند (الوانی، ۱۳۷۸، ص ۴۸).

الف) ایجاد یک اندیشه واسطه غیرممکن

در ایجاد یک اندیشه واسطه غیرممکن فرد اندیشه را طیران داده و با تعدیل آن به اندیشه نو و عملی دست می‌یابد. در درس تاریخ پایه چهارم مبحث «سرزمین ما ایران» دانش‌آموزان به‌جای ماده‌ها، پارت‌ها، پارس‌ها، آشوری‌ها و کوروش ایفای نقش می‌نمایند.

ب) پیوند تصادفی

در «پیوند تصادفی» تلاش می‌شود تا مفاد مطلبی را با موضوع خودمان پیوند دهیم و به نتیجه برسیم. روش ارتباط اجباری شباهت بسیاری با این مورد دارد، با این تفاوت که روش اخیر تصادفی است. در درس جهادسازندگی فارسی کلاس چهارم، فرهنگ معین را باز نموده و کلمه «جهاد» را از روی آن پیدا می‌نماییم و طریق لغت‌یابی، به صورت تلفظ، معنا، ریشه را به صورت عملی به دانش‌آموزان یاد می‌دهیم و بعد معنی و انواع جهاد را بر روی تخته سیاه با کمک دانش‌آموزان توضیح می‌دهیم.

ج) معکوس‌سازی

در این راه مسائل، مشکلات، ضعف‌ها، و نارسایی‌ها همه می‌توانند به صورت امکانات، نقاط قوت و توانایی‌ها دیده شده و مورد استفاده قرار گیرند، اگر تنها ما نحوه نگرش و برخورد خود را عوض کنیم و پدیده‌های اطرافمان را با نگرشی دیگر ببینیم. (الوانی، ۱۳۷۸، ص ۱۱۲)

در درس علوم پایه چهارم، مبحث نور و بازتابش «نداشتن پرده کنار پنجره در هنگام روز و تابش نور خورشید می‌تواند یک معضل در فضای فیزیکی محسوب گردد»، اما همین مشکل گرما را می‌توان معکوس کرد و پژواک و مثبت آن را به کلاس انعکاس دهیم و مفهوم «شیشه به عنوان سطح صاف و روشن، نور را بیشتر بازتابش می‌کند و تعریف بازتابش و چگونگی و... را تدریس نماییم» منظور از تکنیک‌های خلاقیت در عمل انجام فنی‌های ارتباط اجباری، تحرک مغزی، گردش تخیلی، تکنیک ۵-۳-۶ گروه

اسمی، تفکر موازی شامل ایجاد یک اندیشه واسطه غیرممکن، پیوند تصادفی، معکوس سازی در روش تدریس می باشد.

ضرورت تأکید بر پرورش خلاقیت در مدارس

بشر در عصر جدید با جهش کوانتومی و عمیق ترین خیزش اجتماعی با خلاقانه ترین نوسازی مواجهه گردیده است؛ در این عصر، نقش ماهواره ها و رسانه های گروهی و ارتباطات جهانی به نحو شگفت آوری متحول گشته و انتقال معارف بشری و عرضه اطلاعات را به درون کشورها، شهرها، روستاها، و مدرسه ها و خانه ها به خوبی میسر ساخته است.

علی رغم موفقیت های چشمگیری که بشر امروزی در عرصه های مختلف علمی، فنی، رفاهی و... بدان دست یافته، با ناکامی های بسیاری هم در ابعاد مختلف زندگی روبروست؛ در جازدن در عادت ها، نداشتن مهارت استفاده از آموخته ها و تجارب، برخوردهای غیرمنطقی و نامعقول با موقعیت ها، ناکارآمدی در مواجهه با شرایط خاص، نداشتن روش و منش علمی در انجام امور روزمره و... از جمله ناکامی هایی هستند که می توان آن را با پایین بودن سطح خلاقیت در میان افراد جامعه معادل دانسته و بخش اعظم آن را به کارکرد مدارس نسبت داد؛ زیرا مدارس به عنوان واحدهای علمی آموزش و پرورش، این رسالت بزرگ را بر دوش دارند که باید هموارکننده مسیر خلاقیت و نوآوری در جوامع بشری باشند؛ اما واقعیت ها به صراحت گویای این حقیقت هستند که امروزه انجام این رسالت به طور قابل ملاحظه ای با ناکامی همراه بوده و بسیاری از راه هایی که ممکن است به بروز خلاقیت و نوآوری ختم شوند، در پیش روی مدارس سخت ناهموارند!

سیستم آموزشی کشور ما تمرکز بسیار زیادی بر مهارت های استدلالی با توالی زمانی داشته و توانایی های خلاقانه تر کاملاً تحت الشعاع قرار گرفته اند و اغلب نه تنها مربیان، بلکه اولیای با حسن نیت نیز فعالانه از بروز خلاقیت ها جلوگیری می کنند و دانش آموزان از بروز خلاقیت های با ارزش خود منع می شوند. مدارس اندیشیدن را نمی آموزند و به

جای تشویق و اشاعه اندیشه و روش‌های فکری واگرا، همگرایی را ترویج می‌کنند. دانش‌آموزان خود را دائماً به اشتغالات مکلف و مسئولیت‌های موظف وامی‌دارند و این درحالی است که تجارب محققان خلاق و اندیشمندان نوآور در عرصه‌های علوم و فنون برتر حکایت از آن دارد که چنین اشتغالات و مسئولیت‌هایی نمی‌گذارند اندیشه‌های خلاق به راحتی شکوفا شوند (افروز، ۱۳۸۰، ص ۱۳۲). در نظام‌های کنونی آموزش و پرورش، تفکر همگرا محور و اساس کار است و تفکر واگرا، نه تنها مورد عنایت نیست، بلکه اغلب تضعیف هم می‌شود؛ در نتیجه، وقتی کودک به مرحله بزرگسالی می‌رسد، خلاقیتی در خود احساس نمی‌کند (حق‌شناس، ۱۳۷۸، ص ۶۵).

عوامل آموزشی مؤثر در پرورش خلاقیت

همان‌گونه که اشاره شد، پرورش خلاقیت مستلزم فراهم ساختن امکانات مناسب و وجود زمینه‌های مساعد و مورد توجه قرار دادن عوامل مؤثر بر این توانایی است؛ از جمله عوامل آموزشی مؤثر بر خلاقیت عبارتند از:

۱. سازمان

سازمان‌های آموزشی و پرورشی می‌توانند محیطی را فراهم آورند تا ترغیب‌کننده خلاقیت و نوآوری بوده و رشد و پرورش خلاقیت را میسر سازند. چنین سازمان‌هایی، خود دارای ویژگی‌هایی از قبیل: فرهنگ سازمانی خلاق، محیط خلاق، نیروی انسانی خلاق و رهبریت خلاق هستند. سازمان‌های خلاق از فرهنگ قوی و تشویق‌کننده برخوردار هستند و افراد را به سازمان و هدف‌های آن به گونه‌ای متمایل می‌کنند که آنان خود را جزئی از سازمان بدانند. تأکید اصلی چنین سازمان‌هایی بر روحیه کارآفرینی و تقویت زمینه‌های مناسب برای پرورش خلاقیت و نوآوری است. در محیط خلاق مسئولان آمادگی شنیدن اندیشه‌های بدیع و نوین را داشته و مشوق کاوش و جستجوی روش‌های نوین کاری هستند. افراد به یکدیگر اعتماد و اطمینان دارند و فضای کاری آرام و صمیمی فراهم است. به خلاقیت و نوآوری امتیاز داده می‌شود و

هدف‌ها به طور مشخص تعیین شده و افراد برای تغییر آماده می‌شوند. از طرفی سازمان به خودی خود خلّاق و نوآور نخواهد شد مگر آنکه افراد خلّاق با خصوصیات و ویژگی‌های خاصی پیکره آن سازمان را تشکیل دهند و در نهایت وجود رهبری خلّاق برای تأثیرگذاری در فرهنگ سازمان و ایجاد انگیزه در افراد کوشا ضروری به نظر می‌رسد (سام خانیان، ۱۳۸۴، ص ۸۸).

۲. مدیریت مدرسه

موفقیت نهادها و سازمان‌ها تا حدود زیادی به کارایی و اثربخشی مدیریت بستگی دارد. کار مدیریت «کاراً» کردن فعالیت افراد است. مدیریت مدرسه یکی از چند پست مهم و اصلی در نظام آموزشی است و این سخن معروف که «کسی که مدرسه را اداره می‌کند، می‌تواند کشورها را اداره کند»، بیانگر ارزش و اهمیت مدیریت و مسئولیت خطیر مدیر مدرسه است (پیتر دراگر، ترجمه غیائی، ۱۳۸۴، ص ۱۰۵).

چگونگی مدیریت خلّاقیت و نوآوری می‌تواند اصلاح و بهبود امور را جهت و سرعت بخشد و خلّاقیت و نوآوری را در سازمان میسر سازد (سام خانیان، ۱۳۸۴). سازمان خلّاق نیازمند به مدیری است که در ایجاد و حفظ فرهنگ خلّاق در درون سازمان و ترغیب، ترویج و به وجود آوردن انگیزه برای رفتار خلّاق در افراد گروه‌های درون سازمان کوشا باشد. مدیر می‌تواند تسهیل کننده بروز ویژگی‌های افراد خلّاق باشد (غلامپور، ۱۳۷۹، ص ۹۲). در توسعه و تقویت خلّاقیت در سازمان‌های آموزشی بیش از همه عامل مدیریت اثرگذار است و اگر مدیران مدارس در کنار مهارت‌های مدیریتی از دانش و مهارت خلّاقیت و نوآوری برخوردار باشند، زمینه‌های ایجاد و رشد خلّاقیت در آموزشگاه فراهم می‌آید (سام خانیان، ۱۳۸۴، ص ۱۱۴).

مدارس صحنه اجرای نوآوری است و شاه کلید تغییر و نوآوری در مدرسه‌ها در دست مدیران آنهاست (نامی، ۱۳۸۰، ص ۷۹). توانایی یا عدم توانایی مدیر مدرسه در خلق اوضاع و احوال مناسب، تعیین کننده اصلی اثربخشی در یک مدرسه قلمداد شده است. برخی از محققان نقش مدیر مدرسه را به عنوان عامل دگرگون کننده متغیرهای

اجتماعی، سازمانی و شخصیتی - که تأثیر اساسی در عملکرد مدرسه دارند - معرفی کرده‌اند (نامی، ۱۳۸۰، ص ۷۱).

وارن بنیس و برت نانوس پس از مصاحبه‌های متعدد با رهبران چندین کمپانی و مدیران مدارس چنین نتیجه گرفتند که «عاملی که موجب نیروگرفتن کارکنان می‌شود و تعیین‌کننده شکست یا موفقیت یک سازمان است، رهبری آن می‌باشد» (نقیبی فرد، ۱۳۸۰). نقش مدیران در پرورش خلاقیت بسیار مهم شمرده شده است، مدیران خلاق می‌توانند خود و مدرسه تحت مدیریت خود را به مواجهه با مشکلات و بهره‌گیری از فرصت‌ها سازگار سازند و کمیت و کیفیت تصمیمات و فعالیت‌ها را افزایش دهند و دانش‌آموزان را از آموزش بهتری برخوردار نمایند (غلامپور، ۱۳۷۹، ص ۴۴).

مطالعه‌ای تحت عنوان «تعامل مدیر - معلم» در دهه ۱۹۸۰ شناخت سه سبک مدیریت را به ارمغان آورد که بازگو کردن آنها در اینجا به درک نقش اساسی مدیر در کیفیت فرایند آموزشی مدرسه کمک می‌کند. این سه سبک مدیریت که با مشاهده مدیران و مصاحبه با آنان در سه منطقه مختلف آموزشی در سه ایالت مختلف آمریکا در طول یک سال تحصیلی شناسایی و معرفی شده‌اند، عبارتند از: الف) سبک پاسخگویی؛ ب) سبک گرداندگی؛ ج) سبک آغازگری.

الف) سبک پاسخگویی: مدیران دارای سبک پاسخگویی کسانی هستند که هیچ برنامه از پیش تعیین شده‌ای برای ایجاد تغییر و بهبود کیفیت یاد دهی - یادگیری ندارند، طالب حفظ آرامش در مدرسه از طریق حفظ وضع موجود بوده و می‌کوشند تا از تبدیل مسائل کوچک به بزرگتر جلوگیری کنند و به تعبیری بهترین خبر برای این مدیران این است که هیچ خبری نیست. این مدیران به اقدامات نوجویانه بی تفاوت هستند.

ب) سبک گرداندگی: مدیران دارای سبک گرداندگی، به اجرای اقدامات نوآورانه کمک می‌کنند. هرچند مانند مدیران سبک پاسخگویی، با موضوع تغییر و تحول برخورد انفعالی دارند اما در برابر معلمان نوآور از خود واکنش مثبت نشان می‌دهند و از حرکت‌ها و اقدامات آنان حمایت می‌نمایند.

ج) سبک آغازگری: مدیران دارای سبک آغازگر، بالاترین درجه توفیق را در اجرای

نوآوری‌ها و ایجاد تغییر و تحول دارند. این مدیران نقش و رسالت اصلی خود را قرارگرفتن در موضع رهبری آموزشی می‌دانند و خود ابداع کننده یا آغازگر برنامه‌های تحول آفرین بوده و اجرای آنها را از معلمان می‌خواهند و یا اینکه با خلق فضای مساعد و فرهنگ سازمانی مستعد تغییر، شوق و نشاط اصلاح و بهبود را در دیگران به وجود می‌آورند. این مدیران هرگز از کلاس درس فاصله نمی‌گیرند و به طرق مختلف بر کیفیت کار معلمان نظارت می‌کنند (مهرمحمدی، ۱۳۷۵، ص ۱۲۴).

به نظر می‌رسد که توجه به این واقعیت، پاسخ به این سؤال که مدارس کشور ما کدام یک از سه سبک ذکر شده را توسط مدیران مورد استفاده قرار می‌دهند، می‌تواند گره‌گشای برخی مشکلات آموزشی گردد و خالی از فایده نباشد.

۳. معلم

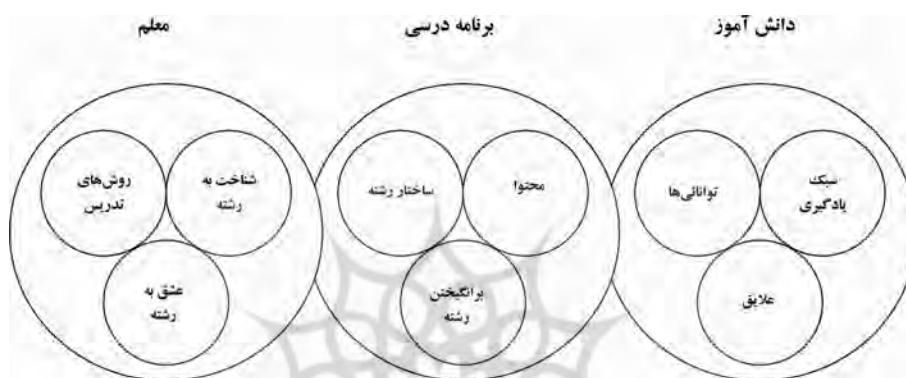
پیشرفت در آموزش و پرورش، عمدتاً به صلاحیت‌ها و توانایی‌های کارکنان آموزشی در کل و به ویژگی‌های انسانی، تربیتی و فنی تک‌تک معلمان بستگی دارد (نفیسی، ۱۳۷۷، ص ۲۵) و هرگونه پیشرفت چشمگیر در آموزش، نیازمند مشارکت فعال و حمایت معلمان است (جلالی و همکاران، ۱۳۷۸، ص ۴۹).

معلم نقش مهمی در رشد کودکان خلاق و متعهد بازی می‌کنند (سام خانیان، ۱۳۸۴). مربیان می‌توانند تا حدی مهارت‌های خلاقیت مانند روش‌های تفکر درباره مسائل و قوانین علمی برای تدبیر راه‌های جدید نگرش به مسائل را آموزش دهند (حق‌شناس، ۱۳۷۸، ص ۶۶). برای آموزش کودکان و رشد خلاقیت آنان وجود مجموعه‌ای از ویژگی‌ها از قبیل انعطاف‌پذیری، استقبال از ایده‌های تازه، انرژی زیاد و شور و شوق برای زندگی، دوست داشتن دانش‌آموزان، علاقه به رشته درسی، چگونگی نگرش نسبت به خلاقیت، داشتن نقش الگویی، توانایی ارزشیابی درست از آموخته‌های دانش‌آموزان برای معلمان ضروری است.

معلمی که از انگیزه خلاق برخوردار است، هم خود الگویی برای خلاق بودن واقع می‌شود و هم خلاقیت را تقویت می‌کند (سام خانیان، ۱۳۸۴، ص ۷۵). معلمانی که از

خود رفتار خالق نشان می‌دهند، محیط‌های کلاسی را به وجود می‌آورند که خلاقیت را ارتقاء می‌دهد (تفرشی، ۱۳۸۴، ص ۵۶).

نقش معلم چنان در فرآیند پرورش خلاقیت حائز اهمیت است که رنزولی (۱۹۹۳) عوامل مؤثر در پرورش خلاقیت را دارای سه عنصر اصلی می‌داند که عبارتند از معلم، دانش‌آموز و برنامه درسی. نمودار زیر چگونگی تأثیرگذاری این سه عامل را شرح می‌دهد:



الگوی رنزولی (۱۳۹۳): عوامل مؤثر در پرورش خلاقیت در مدرسه (شعبانی‌پور، ۱۳۸۴)

در آموزش و پرورش فعال، نقش معلم نقش تشنه‌کننده است نه سیراب‌کننده؛ معلم خلاق، ذهن دانش‌آموز را از تعادل و سکون و ارضای موجود خارج می‌کند تا خود فرد از طریق قانون و اصل تعادل‌جویی به تعادل دست یابد (کریمی، ۱۳۷۳، ص ۱۳۹ به نقل از سام خانیان، ص ۳۸۱). معلمانی در ایجاد توانایی خلاق در کودکان موفق هستند که به افراد فرصت می‌دهند متناسب با توانایی‌های خود پیش روند، فرصت فعالیت کردن در موضوعات دلخواه را به آنها بدهند، کتاب‌های مهم به آنها معرفی نمایند، و آنها را به تفکر واگرا وادارند (سام خانیان، ۱۳۸۴، ص ۹۸).

معلم از طریق چندین عملکرد اساسی می‌تواند زمینه‌های رشد خلاقیت را در دانش‌آموزان فراهم سازد که به شرح مختصری از آنها خواهیم پرداخت:

ساختار فیزیک کلاس: قرار دادن محرک‌های بصری در کلاس، چیدن مناسب میز و صندلی‌ها، اختصاص فضای لازم برای فعالیت دانش‌آموزان از جمله مواردی است که

می‌تواند در تسهیل فرایند یادگیری خلاق نقش ایفا کند.

ساختار شناختی- فکری مناسب در کلاس: پرورش کنجکاوی یکی از اساسی‌ترین قدم‌ها در این زمینه است. از نمودهای اساسی کنجکاوی سؤال کردن و یافتن پاسخ سؤال است. چگونگی برخورد معلمان با پرسش‌های دانش‌آموزان در تقویت حس کنجکاوی دانش‌آموزان تأثیر بسزایی دارد؛ لذا معلمان می‌توانند از طریق سؤال، اهمیت دادن به سؤال، پاسخ به سؤال، تقویت تعمق در سؤالات، تقویت قدرت تخیل، ریسک و خطر کردن و سرگرم نمودن دانش‌آموزان به بازی‌های فکری و... به تقویت کنجکاوی و خلاقیت کودکان کمک کند.

ساختار اجتماعی- عاطفی مناسب: اگر دانش‌آموزان در کلاس احساس امنیت کنند، و قادر باشند نسبت به محرک‌های فیزیکی و عقلانی ارائه شده از طرف معلم و همسالان واکنشی مطلوب از خود نشان دهند، جو مناسب اجتماعی - عاطفی حاکم گردیده است. در این وضع دانش‌آموزان بدون نگرانی از احتمال تمسخر یا تهدید دیگران هر نوع سؤالی را می‌پرسند و در بحث‌ها شرکت می‌کنند و اشتباه و شکست را به عنوان امری اجتناب‌ناپذیر و لازم برای موفقیت تلقی می‌نمایند.

ساختار آموزش- تدریس: شاید بتوان گفت قلب عملکرد معلم در رابطه با یادگیری خلاق، شیوه‌های تدریس مناسب اوست. مناسب‌ترین و مؤثرترین روش برای رشد و شکوفایی تفکر خلاق کودکان روش‌های تدریس فعال و اکتشافی هستند (سام خانیان، ۱۳۸۴). مواد و محتوای آموزشی باید با توانایی‌ها، آمادگی و تجربیات پیشین دانش‌آموزان متناسب باشد و فرصت مناسب برای فعالیت‌های یادگیری چندگانه اعم از فعالیت‌های کلاسی و خارج از آن و فعالیت‌هایی که حواس مختلف و بیشتری را به کارگیرد، فراهم آورد (سام خانیان، ۱۳۸۴).

با غنی کردن محیط آموزشی در چهارچوب ضوابط برنامه، محیط تقریباً مناسبی برای دانش‌آموزان فراهم می‌شود تا آنها به توسعه اطلاعات، تفکر، تقویت اعتماد به نفس و خودشناسی اقدام کنند؛ یعنی چنین محیطی می‌تواند زمینه پرورش خلاقیت را فراهم کند (سام خانیان، ۱۳۸۴).

تفرشی پناه (۱۳۸۴) تأکید دارد که محتوای دروس با توجه به نقشی که در پرورش خلاقیت می‌تواند داشته باشد باید امکان استفاده از منابع اطلاعاتی دست اول نظیر دایرةالمعارف و فرهنگ لغات را به وجود آورد. به کارگیری انواع رسانه‌های آموزشی نظیر لوح، نمودار، تصویر و نقشه به توسعه خلاقیت کمک می‌کند. معلم برای دانش‌آموز الهام‌بخش است. بنابراین در برانگیختن او سهم بسزایی دارد و باید روش‌ها و راه‌هایی را که موجب علاقه‌مندی دانش‌آموز می‌شود را بداند و به موقع به کار بندد. عدم آشنایی معلم به مسائل نوین آموزشی و مدیریت علمی و بی‌خبری از دگرگونی‌های کیفی در سطوح تعلیم و تربیت در کشورهای پیشرفته، از عوامل اساسی بازدارنده رشد کلی آموزش و پرورش شمرده شده است (خیاطی، ۱۳۸۱). ویژگی‌های معلم از قبیل انگیزش، میزان علاقه‌مندی به تدریس، ویژگی‌های شخصی و میزان صلاحیت‌ها و مهارت‌های شغلی و حرفه‌ای در کمیت و کیفیت تدریس مؤثر بوده و این ویژگی‌ها به طور مستقیم و غیرمستقیم زمینه شکست یا موفقیت تحصیلی دانش‌آموز را فراهم می‌سازد (حق‌شناس، ۱۳۷۸، ص ۴۵).

خلاقیت را چگونه آموزش و پرورش دهیم؟

در چند دهه اخیر پژوهش‌های متعددی در زمینه خلاقیت صورت گرفته است؛ «پژوهش‌های انجام شده در زمینه آموزش خلاقیت، عموماً به این نتیجه رسیده است که خلاقیت را هم می‌توان آموزش و پرورش داد» (عابدی، ۱۳۷۲، ص ۵۳-۴۶).

کارل راجرز در این زمینه می‌نویسد: روشن است که خلاقیت را نمی‌توان با فشار ایجاد کرد، بلکه باید به آن اجازه داد تا ظهور کند، همانگونه که جوجه را نمی‌توان از تخم مرغ بیرون آورد، بلکه می‌توان شرایط لازم برای رشد مراحل تکوین جوجه را فراهم آورد. در مورد بروز خلاقیت نیز همین شرایط درست است، باید بستری مناسب برای رشد و توسعه خلاقیت دانش‌آموزان فراهم آورد.

«ازجمله تجربیات من در روان‌شناسی این است که می‌توان با فراهم کردن امنیت روانی و آزادی، احتمال ظهور خلاقیت سازنده را افزایش داد.» (کارل، ۱۳۸۰، ص ۱۴۵).

تحقیقات نشان می‌دهد: خلاقیت در ضمیر همه ما نهفته و در نحوه زندگی همه ما تأثیر می‌گذارد زیرا بعضی از انسان‌ها در یک زمینه دارای خلاقیت بیشتر و برخی در زمینه‌ای دیگر می‌باشند.

تورنس می‌نویسد: «طی پانزده سال تجربه در مطالعه و آموزش تفکر خلاق، شواهدی دیده‌ام که نشان می‌دهد خلاقیت را می‌توان آموزش داد».

ضرورت رفع موانع خلاقیت در کلاس درس

از عوامل بازدارنده در خلاقیت دانش‌آموزان، محیط آموزشگاه است و در آموزش و پرورش سنتی معلم دانشی را منتقل می‌کند و دانش‌آموز با میزان حفظ آنها، مورد ارزشیابی قرار می‌گیرد؛ در نتیجه، زمینه برای ایجاد خلاقیت در او ایجاد نمی‌شود و این عدم حمایت از تفکر خلاق در مدارس است و نیز خاموش شدن آن است. ضروری است برای ایجاد آموزش مبتنی بر خلاقیت، موانع خلاقیت در کلاس درس که هدایت‌کننده آن معلم است، برطرف شود.

هالمن^۱ (۱۹۶۷) ویژگی معلمانی را که ممکن بود خلاقیت را در دانش‌آموزان خاموش کنند به شرح زیر بیان می‌کند:

الف) تحت فشار قرار دادن به ازای هم‌نوایی با دیگران؛

ب) نگرش‌ها و محیط‌های سلطه‌جویانه؛

پ) شخصیت‌های جدی معلم؛ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

ت) استهزاء و طعنه؛

ث) اغراق در تأکید بر ارزیابی؛ **تال جامع علوم انسانی**

ج) جستجوی زیاد یقین حاصل کردن؛

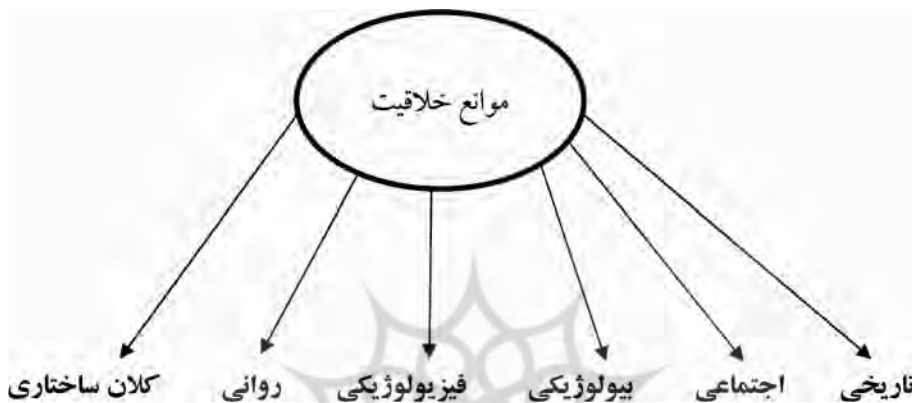
چ) خصومت نسبت به شخصیت واگر؛

ح) اغراق بر تأکید بر موفقیت (لفرانکوویس، ۱۳۷۰، ص ۳۸۳).

1. Hallman.

موانع خلاقیت چیست؟

دوریس جی (۱۹۹۳) معتقد است عمده موانعی که برای بروز خلاقیت‌ها در انسان مطرح است به صورت زیر ذکر می‌شود (آقایی فیشانی، ۱۳۷۷).



موانع ششگانه خلاقیت

۱. موانع تاریخی: این دسته از عوامل شامل مفاهیم تاریخی یا فلسفی می‌باشند که افراد را از تفکر کردن باز می‌دارند؛ مانند: همه چیز در دست تقدیر است.
۲. موانع اجتماعی: محیط اجتماعی می‌تواند موجب افت خلاقیت گردد، مانند جوامعی که کمرویی را تشویق می‌نمایند.
۳. موانع بیولوژیکی: مثال‌هایی چون هوش و خلاقیت ارثی است، در نتیجه نداشتن آنها مانع تفکر است.
۴. موانع فیزیولوژیکی: این موانع ممکن است از نقایص بدنی یا ضرباتی که از بیماری و حوادث مختلف بر فرد وارد می‌شود، به وجود آیند.
۵. موانع روانی: موانعی که حاصل نظام روان‌شناختی فرد است؛ مانند: اضطراب، ترس از شکست.
۶. موانع کلان ساختاری: این عامل مربوط به ساختارهای کلان جامعه و حتی بین کشوری می‌شود (سام خانیان، ۱۳۸۴، ص ۷۶).

عوامل بازدارنده خلاقیت

هر کسی می‌تواند از خود خلاقیت و نوآوری نشان دهد و این توانمندی در انحصار افراد خاصی نیست. اما عدم بروز خلاقیت در افراد به عواملی برمی‌گردد که لازمه رشد خلاقیت، شناسایی عوامل بازدارنده ظهور خلاقیت است. درحقیقت جلوگیری از این عوامل مهم‌تر از وجود استعداد خلاقیت است.

بیلا^۱ یکی از روان‌شناسان و صاحب‌نظر در خلاقیت‌شناسی موانع اصلی خلاقیت را به شرح زیر بیان نموده است: ۱. ارزیابی و انتظارات افراد؛ ۲. نظارت و مراقبت؛ ۳. گرایش به پاداش‌های بیرونی؛ ۴. رقابت؛ ۵. انتخاب محدود.

ویژگی‌های دانش‌آموزان خلاق و راه پرورش آن

یکی از راه‌های دستیابی به نظام آموزش و پرورش خلاق، شناخت دانش‌آموزان خلاق با خصوصیات و ویژگی‌های آن نظام است تا بر مبنای شناخت آنها بتوان برای تقویت هرچه بیشتر زمینه‌های خلاقیت و نوآوری برنامه‌ریزی نمود.

محیط خانواده و مدرسه می‌تواند نقش مهمی در فراهم کردن زمینه‌های بروز خلاقیت در دانش‌آموزان داشته باشد، ضمناً حمایت از اندیشه خلاق به منظور متبلور کردن خلاقیت در دانش‌آموزان تأثیر اساسی دارد؛ به عنوان مثال، راه رسیدن به این امر، مشارکت دانش‌آموزان در فعالیت‌های خانه و نیز در فضا سازی کلاس درس و... می‌باشد؛ لذا با توجه به ضرورت مطرح شده شناخت ویژگی‌ها به بعضی از این ویژگی‌ها اشاره می‌کنیم:

ویژگی‌های بیست‌گانه دانش‌آموزان خلاق

۱. دانش‌آموزان خلاق به دیدگاه‌های افراد پیرامون خود توجه دارند؛
۲. دارای اعتماد به نفس، استقلال شخصیت و انعطاف‌پذیرند؛
۳. از نظر ذهنی آمادگی دارند تا در پی راه‌حل‌های غیرمعمول باشند؛

۴. از ایجاد عقاید و مفاهیم جدید لذت می‌برند؛
۵. از اشتباه و خطا کردن نمی‌هراسند؛
۶. قادرند تفکرات و احساسات دیگران را درک کنند؛
۷. نسبت به تجربیات خود فکر و از فعالیت گذشته خود نتیجه‌گیری می‌کنند؛
۸. از توانایی تخیل فوق‌العاده‌ای برخوردارند؛
۹. آنها معمولاً ایده‌ها و وضع موجود را مورد سؤال قرار می‌دهند؛
۱۰. در برخورد با مسائل از خودکنجکاوی نشان می‌دهند؛
۱۱. از رفتار دیگران، کمتر تقلید می‌کنند، بلکه سنت‌شکن و نوگرا هستند؛
۱۲. گیرنده‌های قوی و حساسی دارند؛
۱۳. مهارت‌های ادراکی بالایی دارند؛
۱۴. دقیق‌نگر و ریزنگرند و به دقت به اطراف نظر می‌افکنند (به اشیاء و پدیده‌ها نگاهی غیرمرسوم دارند)؛
۱۵. جسارت درگیری با مسائل پیچیده را دارند (خطر پذیرند)؛
۱۶. فرصت‌طلب و موقعیت‌جویند و قبل از دیگران طرح‌های خود را ارائه می‌دهند؛
۱۷. استقلال رأی و استقلال قضاوت دارند؛
۱۸. حوصله و توانایی شنیدن و هم‌جوشی با افکار دیگران را دارند؛
۱۹. علاقه زیادی به کار پژوهشی و کوشش فکری دارند و به دنبال اندیشه‌های بکر و دست‌نخورده هستند؛
۲۰. آنها در مجموع افرادی شاد، مستقل و بعضاً شلوغ هستند؛

نقش والدین در رشد و توسعه خلاقیت فرزندان

نقش والدین در رشد و توسعه خلاقیت فرزندان انکارناپذیر است و آموزش مبتنی بر خلاقیت کلاسی متأثر از نقش والدین و ارتباط آنها با مدرسه است. هماهنگی در پرورش خلاقیت بین والدین و مربیان امری ضروری است و فقدان این هماهنگی به خلاقیت فرزندان و والدین می‌تواند در پویاسازی اندیشه فرزندان خلاق خود طی مراحل زیر ایفای نقش کنند:

۱. آموزش مهارت‌های حسی و پرورشی زیباشناسی حواس؛
۲. غنی نمودن محیط زندگی آنان از طریق محرک‌های شنیداری، دیداری، بویایی، و چشایی و...؛
۳. آماده‌سازی ذهنی و آموزش‌های مهارت‌های ذهنی و روانی؛
۴. ایجاد تعامل در فضای تحریکی عینی و ذهنی؛
۵. شناسایی وضعیت کمون و نهفتگی خلاقیت کودکان؛
۶. همراه بودن با فرزندان در مرحله روشن‌سازی و فراهم نمودن عوامل تسهیل‌کننده روشن‌سازی؛
۷. پرورش نواندیشی، نوآوری، خلاقیت به عنوان سه مرحله متوالی؛
۸. ارزشیابی و تحلیل ابعاد خلاقیت و نوآوری؛
۹. بازبینی یا تجدید نظر؛
۱۰. بارش و غنی‌سازی مشوق‌های محیط؛

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

خلاقیت از جمله تمایزات بارز انسان با حیوان است، شاید خداوند متعال «اسماء» را که به انسان آموخت و به انسان این توانایی را داد که می‌تواند مثل او شود و صفات وی را به خود بگیرد، یکی از جلوه‌های همانندی انسان با او، همین قدرت ابتکار آفرینندگی و خلاقیت بشر باشد.

توسعه، پیشرفت و تحولات شگرف دنیای کنونی در ابعاد مختلف، مرهون تلاش اندیشمندان و قدرت خلاقه ذهن و اندیشه‌بارور آن است. اگر امروزه، جوامع با میزان توسعه‌یافتگی و توان ایجاد تحولات مثبت در عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی، علمی، فنی و فرهنگی مورد مقایسه، سنجش و ارزیابی قرار می‌گیرند، کشوری می‌تواند در این مقیاس رتبه برتری را احراز نماید که قادر باشد انسان‌هایی با کیفیت‌های خلاق تربیت نماید.

در پاسخ به اینکه خلاقیت چیست؟ و چگونه می‌توان آنرا به وجود آورد؟ از خلاقیت به توانایی غلبه بر مشکلات غامض و پیچیده به نحوی بدیع و بی‌سابقه و عبور

از مرز شناخته‌ها به مرز ناشناخته‌ها و گشودن رمز آنها تعبیر کرده‌اند و در تعاریف گوناگونی که از خلاقیت به عمل آمده، همگی به ویژگی‌هایی چون نگاه عمیق، متفاوت و اصیل و ترکیب و ایجاد پدیده‌ها و اندیشه‌های نو و بدیع تأکید نموده‌اند.

پژوهش، محملی مناسب برای تقویت و گسترش روحیه ابتکار، نوآوری و خلاقیت است، معلم به عنوان ایجادکننده شرایط و تسهیل‌کننده یادگیری دانش‌آموزان می‌تواند از طریق نوگرایی، انعطاف‌پذیری، عدم تحمیل دانش‌آموزان به حفظ و انباشت ذهنی، شوخ طبعی، پرهیز از راهبردها و روش‌های قالبی آموزش، زمینه‌سازی برای ابراز وجود شاگردان و افزایش اعتماد به نفس در آنان، تحریک حس کنجکاوی فراگیران و بالاخره توأم ساختن آموزش با پژوهش به آموزش خلاق و پرورش خلاقیت در کودکان و نوجوانان پردازد. بنابراین، با ترتیب و تدارک مناسبی از ساختارهای فیزیکی کلاس، آموزش و یادگیری و ساختارشناختی و فکری، عاطفی و اجتماعی دانش‌آموزان، می‌توان موجبات رشد و پرورش خلاقیت و آفرینندگی شاگردان را فراهم ساخت. برای دستیابی به چنین هدفی، از سویی باید به آزاداندیشی، سعه صدر، تفکر انتقادی و تشویق پرسش‌ها و ارائه راه‌حل‌های غیرمعمول، یادگیری اکتشافی، تحرک و پویایی، حساسیت به محرک‌های محیطی و... ارزش داده شود و از سوی دیگر، از اصرار بر همنوایی، رفتارهای سلطه‌جویانه، تمسخر، اهمیت بیش از حد بر ارزشیابی و موفقیت در آن و تشویق همگرایی پرهیز شود.

فرایند خلاقیت دارای مدل‌های متفاوتی است. یکی از مدل‌های خلاقیت، فرایند خلاقیت را در چهار مرحله اجرا و نوآوری، تدارک برای اجرا، پردازش اجرا و ایجاد ایده‌های نو ترسیم می‌کند، مدل چرخه فرایند نوآوری با افزودن مرحله «فراهم کردن زمینه» آن را به پنج مرحله تقسیم می‌نماید.

دانش‌آموزان خلاق با ویژگی‌ها و خصیصه‌هایی از قبیل: توجه به محرک‌های پیرامونی، اعتماد به نفس، ذهن خلاق، لذت بردن از نواندیشی، نهراسیدن از اشتباه، قدرت استنتاج، کنجکاوی، نوگرایی، حساس بودن، دقیق بودن، خطر کردن، ابراز وجود نمودن، مستقل بودن، صبوری و علاقه به کوشش علمی، برخورداری از فکر انتزاعی،

انعطاف‌پذیری، امیدواری خود رهبری، معنویت‌گرایی، تسلط بر غرایز، حافظه قوی و.... قابل شناسایی‌اند.

صاحب نظران علم خلاقیت، فرایند خلاقیت را در فراگردی متداوم، که از «کسب دیدگاه و نگرشی موافق نسبت به ایده‌های نوین» آغاز شده و با طی مراحل، همچنان ادامه می‌یابد، نشان می‌دهند.

بنابر آنچه گذشت، خلاقیت به عنوان یک علم، عاملی اساسی در پیشرفت و توسعه جوامع تلقی می‌شود و مدرسه و معلم، به مثابه مکانی مناسب برای آموزش خلاقیت و ابتکار به دانش‌آموزان به شمار می‌آیند، زیرا خلاقیت امری آموختنی و قابل آموزش است و با ایجاد شرایط، مقتضیات، تجهیزات و امکانات لازم، می‌توان به پرورش افراد خلاق پرداخت.



منابع

- آقای فیشانی، تیمور (۱۳۷۷)، *خلاقیت و نوآوری در انسانها و سازمانها*، تهران: ترمه.
- آمالی، تراز (۱۳۷۷). *شکوفایی خلاقیت کودکان*، ترجمه دکتر حسن قاسم‌زاده و پروین عظیمی، تهران: نشر دنیای نو.
- افروز، غلامعلی (۱۳۸۰). «تابستان و دانش‌آموزان - خلاقیت‌ها و آسیب‌پذیری‌ها»، *پیوند*، شماره ۲۶۳-۲۶۱.
- الوانی، سید مهدی (۱۳۷۸). *مدیریت عمومی*، تهران: نشر نی.
- بودو، آلن (۱۳۵۸). *خلاقیت و آموزشگاه*، ترجمه علی‌خان‌زاده، تهران: شرکت سهامی چهر.
- تفرشی‌پناه، مهین (۱۳۷۷). «مدیران و کاربرد یاد کردن موضوعات درسی»، *فصلنامه مدیریت در آموزش و پرورش*، شماره مسلسل ۱۹-۱۸.
- جلالی، مریم و همکاران (۱۳۷۸)، *بیانیه ملبورن در گروه مترجمان به سرپرستی علی رؤوف* (۱۳۷۸). *آموزش و پرورش برای قرن بیست و یکم در منطقه‌ی آسیا و اقیانوس آرام*، تهران: پژوهشکده تعلیم و تربیت.
- حق‌شناس، مرجان (۱۳۷۸). «خلاقیت در آموزش و پرورش»، *فصلنامه مدیریت در آموزش و پرورش*، شماره ۲۴-۲۳.
- خانزاده، علی (۱۳۵۵). «خلاقیت کودکان»، *پیوند*، شماره ۵.
- خیاطی، نسترن (۱۳۸۱). «انگیزش، راهبردی برای آموزش»؛ *ماهنامه اندیشه*، سال پنجم، شماره ششم، تبریز: سازمان آموزش و پرورش.
- سام‌خانیان، محمدربیع (۱۳۸۴)، *خلاقیت و نوآوری در سازمان آموزشی*، تهران: انتشارات رسانه تخصصی.
- سیف، علی‌اکبر (۱۳۷۹). *روانشناسی پرورشی*، تهران: انتشارات آگاه.
- شریعتمداری، علی (۱۳۶۷). *روانشناسی تربیتی*، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- شعبانی، حسن (۱۳۸۳). *روش‌های تدریس پیشرفته*، تهران: انتشارات سمت.
- عابدی، جمال (۱۳۷۲). «خلاقیت و شیوه‌ای نو در اندازه‌گیری آن»، *مجله پژوهش‌های روان‌شناختی*، شماره ۲، دوره دوم.
- غلام‌پور، عباس (۱۳۷۹). «خلاقیت و شیوه‌های نو در اندازه‌گیری آن»، *مجله پژوهش‌های روان‌شناختی*، شماره ۱، ۲.

کارل، راجرز (۱۳۸۰). *درآمدی بر انسان شدن*، ترجمه قاسم قاضی، تهران: نشر دنیای نو. کریمی، عبدالعظیم (۱۳۷۳). «آموزش مانع خلاقیت!»، *فصلنامه مدیریت در آموزش و پرورش*، شماره ۱۰.

مهرمحمدی، محمود. «گزارش شرکت در سومین همایش بین‌المللی مرکز نوآوری‌های آموزشی آسیا و اقیانوسیه بانکوک»، ۱۰ الی ۱۳ آذر ۱۳۷۶، *فصلنامه تعلیم و تربیت*، ش ۵۱. نامی، شمسی (۱۳۸۰). «نواندیشی و نوآوری بستری برای بالندگی آموزش و پرورش»، *پژوهشنامه آموزشی*، شماره ۳۹.

نفیسی، عبدالحسین (۱۳۷۷). *آموزش و پرورش ایران ۱۴۰۰*، مجموع ششم. نقیبی فرد، محمد (۱۳۸۰). «اهمیت خلاقیت و روش‌های پرورش آن در ابتدایی»، *مجموعه مقالات جایگاه و نقش دوره ابتدایی در تعلیم و تربیت*، قم: اداره کل آموزش و پرورش استان قم.

- Dececo, J. P. & Crawford.W. R. (1974). *Psychology of learning and instruction*. Etucational Psychology Enylewood Cliff.S.N.J, Prentice-Hall.
- Eysenk, J.Arnold. W.Meili. R.(1979). *Encyclopedia of P Sychology*.Seaburg Press N.Y.
- Ghiselin, A. (1952). *The Creative Process*. Anyeles, Calif: University of California Press.
- Maier. N.R.(1930). *Reasoning in Humans*, I, On diection, journal of comparativ Psychology.
- Papalia, D.E.Wendkosolds, S.(1995). *Human development*. Newyork: McGraw-Hill.
- Sternberg, R, J.(1989). *The Triachic Mind: A new theory of Human Intelligence*. Penguin Books.
- Torance, E.P.(1960). *Eight Patial replications of the Getzels and Jackson study*, Minneapolis University of Minnesota.
- Torance, E.P.(1990). *Fostering Academice in gifted students*. Eeic ECDigest. U.S.A.
- Witting, A.F.& Williams, G.(1984). *Psychology*. Newyork: McGraw-Hill.